

کنج‌های پنهان

مهر و نه

گردد آورندگان
سلمان شهریاری، خانم رضایی نسب و خاتم نظری

تنظیم و ویرایش:

سلمان شهریاری

کاری از پایگاه شهدای مهر و نه و فاطمة الزهراء علیها السلام مهر و نه

سرشناسه: شهرياري، سلمان، ۱۳۶۴-، گردآورنده
عنوان و نام پديدآور: گنج‌هاي پنهان مهرويه/ گردآوردگان، سلمان شهرياري، رضايي نسب و نظري؛
تنظيم و ويرایش سلمان شهرياري؛ کاري از پايگاه شهدا و فاطمه‌الزهرا عليهاالسلام مهرويه.

مشخصات نشر: قم: انتشارات سبط اکبر (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهري: ۸۷ ص. مصور (رنگي)، نمونه: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۸-۶۲-۸

وضعيت فهرست نويسي: فيبا

يادداشت: خاطرات شهيد علي مرادي و شهيد حاجي لطفی از شهدای مهرويه.

موضوع: مرادي، علي، ۱۳۴۹-۱۳۶۵.

موضوع: لطفی، حاجي، ۱۳۴۷-۱۳۶۷.

موضوع: جنگ ايران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - شهيدان

Martyrs -- Iran -- Mehroyeh -- Biography

موضوع: شهيدان -- ايران -- مهرويه - سرگذشتنامه

Martyrs -- Iran -- Mehroyeh -- Biography

موضوع: شهيدان -- ايران -- مهرويه -- بازماندگان - خاطرات

Martyrs -- Iran -- Mehroyeh -- Survival -- Diaries

شناسه افزوده: رضايي نسب، پدريه، ۱۳۶۷-، گردآورنده

شناسه افزوده: نظري، نرجس، ۱۳۶۹-، گردآورنده

شناسه افزوده: پايگاه مقاومت بسيج شهيد شهدای مهرويه

شناسه افزوده: پايگاه مقاومت بسيج فاطمه‌الزهرا عليهاالسلام مهرويه

رده بندي کنگره: DSR۱۶۲۶

رده بندي ديوي: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

کتابخانه ملی ایران
www.ketab.ir

گردآوردندگان: سلمان شهرياري، خانم رضايي نسب و خانم نظري

تيراژ: ۱۰۰۰ عدد

ناشر: سبط اکبر ع

چاپخانه: نينوا

نويت چاپ: اول ۱۴۰۰

تعداد صفحه: ۸۸ صفحه

قطع: رقعي

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول: شهید علی مرادی
۱۱	زندگینامه
۱۲	شوق رفتن (راوی: پدر شهید)
۱۳	مرا به خانه ببر (راوی: پدر شهید)
۱۳	خبر شهادت (راوی: مادر شهید)
۱۴	شهادت (راوی: رضا لطفی، هم‌رزم شهید)
۱۸	نشان دادن جبهه در رویا (راوی: پدر شهید)
۱۸	شوق به نماز (راوی: کبری رزاق پور، زن دایی شهید)
۱۸	بهترین جایزه
۱۹	مادر گریه نکن (راوی: پدر و مادر شهید)
۲۱	ماندنی‌ترین رفتن (راوی: پدر شهید)
۲۱	شوق رفتن (راوی: پسر دایی شهید)
۲۲	چشم‌ها را باید شست (راوی: هم‌رزم شهید)
۲۳	عشق به جبهه (راوی: مادر شهید)
۲۵	آخرش رفت (راوی: دایی شهید)
۲۶	یاد یاران (راوی: علی پور حاجبی)
۲۹	قرآن و شهید (راوی: برادر شهید)
۳۰	خبر از دوست به دوست (راوی: اسحق خیوه، پسر دایی شهید)

- عشق به روحانیت ۳۱
- سوغاتی ۳۱
- با علی غصه ندارم ۳۲
- مادرم می‌شد ۳۲
- اولین بنر وفاداری (راوی: قلندر نظری) ۳۳
- راوی محمود سرگرچی ۳۴

فصل دوم: شهید حاجی لطفی

- زندگینامه ۳۹
- درد دل مادر شهید حاجی لطفی ۴۰
- غروب ماندگار (راوی: آقای یونس لطفی، هم‌رزم شهید حاجی لطفی) ۴۳
- شفاعت (نقل قول: یونس لطفی از هم‌رزمان شهید) ۴۵
- «چادرت از خون شهیدان رنگین‌تر است» ۴۶
- اول صمیمیت، بعد آشنا کردن با احکام و واجبات ۴۷
- برادر به تمام معنا (راوی: آقای محمد نظری، هم‌رزم شهید حاجی لطفی) ۴۸
- مقاومت تا آخرین نفس (راوی: آقای رضا لطفی، هم‌رزم شهید حاجی لطفی) ۴۹
- اخلاق پسندیده (راوی: آقای مآلک رستمی، هم‌رزم شهید حاجی لطفی) ۵۱
- لیست شهادت (راوی: آقای حسن خاکی نهاد) ۵۲
- آخرین لحظات دیدار (راوی: حسن خاکی نهاد، هم‌سنگر شهید حاجی لطفی) ۵۴
- شوخ‌طبعی (راوی: قاسم توسلی) ۵۷
- مرا حتماً با خود ببر (خاطره‌ای از قاسم توسلی) ۶۰

فصل سوم: وصیت‌نامه‌ها، عکس‌ها و دست‌نوشته‌ها

- وصیت‌نامه ۷۱

مقدمه

هرگاه واژه‌ی زیبای شهید جلوه می‌نماید پرسش‌های فراوانی در ذهن جوانان نقش می‌بندد:

آن‌ها چگونه زندگی کرده‌اند؟ چگونه فکر می‌کردند؟ رفتارشان با دیگران چگونه بود؟ خواب و خوراک آن‌ها، عبادت، درس، استراحت و تفریح آن‌ها چگونه بود؟

آیا می‌توانیم به آن‌ها نزدیک شویم؟ آیا می‌توانیم مانند آن‌ها باشیم و در این مسیر سبز گام نهیم؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند برای ما نقطه‌ی آغاز باشد: «می‌توان تولدی دوباره یافت»؟

برای شناخت بهتر شهدا، یکی از بهترین راه‌ها، مطالعه‌ی گفتار، رفتار و نوشتار شهیدان عزیز است.

آنچه در مقابل شما خواننده عزیز است، بخش‌هایی از زندگینامه‌ی دو شهید بزرگوار «شهید علی مرادی» و «شهید حاجی لطفی» می‌باشد که با همت دوستان و با همکاری و لطف خانواده محترم آن دو شهید گرد آمده است. امیدواریم در چاپ‌های بعدی مطالبی جدید بر آن بیفزاییم.

ای شهدا، برای ما حمدی بخوانید که شما زنده‌اید و ما مرده...!
زیبایی رمز ماندگاری است و سادگی رمز زیبایی؛ و شهدا چه ساده و
زیبا بودند!

شهیدان، ای سبکبالان عاشق، دنیا با همه‌ی عظمت و بزرگی‌اش، با
همه‌ی قدرت و جاذبه‌اش توان جذب شما را نداشت.

نه مال دنیا توانست شما را جذب کند، نه مقام، نه زیبارویان. «شما به
آسمان نظر داشتید و آنچه برای ما نادیدنی بود، می‌دیدید».

شما خدا را دیدید و ما هوا را. شما عاشقی کردید و پرواز نمودید و ما
هوس بازی کردیم و در جاماندیم.

شما برنده از دشمن و ما میران از بودنمان؛ که تعهدی و ضمانتی بر
عاقبت به خیری مان نیست.

شهدا شرمنده‌ایم که چنان‌که باید و شما می‌پسندید، نبودیم. دستان
را رها نکنید که در ظلمت دنیا پرت خواهیم شد!

همزاد کویرم تب باران دارم در سینه دلی شکسته پنهان دارم
در دفتر خاطرات من بنویسید من هر چه که دارم از شهیدان دارم

بیعت خواهران، با شهدا:

شهدا! چادر من را بنگرید، من پاسدار خون شما خواهم بود.